گفت‌وگوی «جام جم» با مهدی نصرتی، بازیگر نقش سوران که روایتگر یک

سوران؛ قهرمان نسل

فاطمه عودباشی
دبیر گروه رسانه

شب قبل از اعلام نامزدهای سیمرغ بلورین چهلمین جشنواره فیلم فجر چه کسی فکرش را می‌کرد مردی که با وجود درخشش و واکنش مثبت مخاطبان در اولین نقش‌آفرینی‌اش در سینما، بدشانسی آورد و فیلمش با توقیف مواجه شد، حالا برای دومین اثر سینمایی خود نامزد بهترین بازیگر نقش اول مرد می‌شود. بله. درست حدس زدید. درباره مهدی نصرتی حرف می‌زنم، شاگرد استاد حمید سمندریان که بازیگری در تئاتر و عکاسی خبری و اجتماعی را همزمان از دهه ۸۰ شروع کرد و از اوایل دهه ۹۰ عکاسی را تدریس می‌کرد.

نصرتی اگرچه در چهار اثر سینمایی از جمله «دربست» به کارگردانی علی خامه‌پرست، «مجبوریم» به کارگردانی رضا درمیشیان، «لباس شخصی» به کارگردانی امیرعباس ربیعی و «ضد» به کارگردانی امیرعباس ربیعی بازی کرده و در آثار سوم و چهارمی که نام بردم، نقش اصلی را ایفا کرده است اما بیشتر به عنوان بازیگر تئاتر شناخته می‌شود.

هملتینا، نوش‌دارو، آفتاب بنفش، ساعت ۲۰، اینجا همان جاست، تلنگر، سفر به نهایت دور، پولانسکی، عددهای نشده از جمله آثار نمایشی است که در آن ایفای نقش کرده و علاوه بر چند جایزه بازیگری و کارگردانی تئاتر، در سال ۹۵ نامزد بهترین بازیگر سال تئاتر برای نمایش «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» در جشن بازیگر خانه تئاتر شده است اما این روزها شاهد نقش‌آفرینی این هنرمند به عرصه سریال با اثر «سوران» هستیم؛ اثری که روی آنتن شبکه یک سیما رفته و توانسته است واکنش مثبت مخاطبان را به همراه داشته باشد. مهدی نصرتی که قهرمان قصه است، نقش امیر سعیدزاده ملقب به سعید سردشتی را ایفا می‌کند؛ آزاده کردی که با تجزیه‌طلبان مقابله می‌کند و عاشق وطنش است. پخش این سریال بهانه‌ای شد تا با این بازیگر به گفت‌وگو بنشینیم که در ادامه می‌خوانید.

از اولین فعالیت شما در تئاتر و حتی سینما سال‌هاست می‌گذرد اما هنوز آثار سینمایی‌ای که در آنها نقش اول و در حقیقت قهرمان قصه را ایفا کردید، از جمله «ضد» و «لباس شخصی»، اکران عمومی نشده‌اند. در عین حال دو سال پیش برای فیلم «ضد» نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شدید. خود شما این مسیر را کم لطفی می‌بینید یا تقدیر؟

هنر از هر نوعی که باشد، در صورتی که امکان ارائه به مخاطب را پیدا نکند، انگار به‌وجود نیامده است و انگار تجربه‌ای برای خالق آن که عکاس، نقاش، مجسمه‌ساز و هر کسی که کار هنری می‌کند، است. در حقیقت هنرمند برای رشد خود محتاج بیننده عام و خاص است. چهار سال است که فیلم «لباس شخصی» توقیف شده و نمی‌توان این را گردن تقدیر انداخت. این اثر زمان حضور در جشنواره فیلم فجر هم به دلیل نداشتن بازیگر چهره از بخش سودای سیمرغ به بخش نگاه نو انتقال پیدا کرد. این اتفاق در حالی رخ داد که در همان سال حداقل ۳-۲ فیلم بسیار ضعیف با بازیگران مطرح در بخش اصلی جشنواره حضور داشتند.

پس وقتی ملاک گزینش مهم‌ترین جشنواره داخلی چهره بودن و نبودن بازیگر یک فیلم باشد، به تمام اهالی سینما این پیام را القا می‌کند اگر می‌خواهید فیلم‌تان دیده شود، به هیچ عنوان دنبال معرفی چهره جدید نروید. حدود دو سال از ساخت فیلم سینمایی ضد هم می‌گذرد اما متاسفانه این فیلم هنوز اکران نشده است. با اکران به موقع این فیلم‌ها و دیده شدن آنها توسط مردم، قطعا مسیر بازیگری من هم تغییر می‌کرد.

مسلما در این مدت پیشنهادهای مختلفی داشتید اما می‌خواهم بدانم شخصیت سوران چه ویژگی‌هایی داشت که آن را برای ورود خود به تلویزیون و حضور در یک سریال انتخاب کردید؟

از بین پیشنهادهایی که شد، یکی از دلایل پیوستنم به سریال سوران، عوامل حرفه‌ای پشت دوربین آن بود. آدم‌های خوشنام و باتجربه‌ای که در پروژه‌های دیگر سابقه همکاری با بعضی از آنها را داشتم. مضاف بر این‌که در روزهای اولیه پیش‌تولید وقتی از تهیه‌کننده و کارگردان پرسیدم چرا دنبال بازیگر چهره نرفتید و سراغ من آمدید، آنها در جواب گفتند: «چون ما می‌خواهیم یک قصه تعریف کنیم. همین. دنبال این نیستیم که چیزی یا کسی رو به رخ بکشیم.» شنیدن چنین حرفی و دانستن آن برای هر بازیگری می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

بعد از خواندن فیلمنامه هم، کاراکتر سوران و تنوع اتفاق‌هایی که در طول قصه با آنها مواجه می‌شدم برای من دلیل و انگیزه‌ای تازه برای انجام این پروژه شد. سوران که از روی شخصیت شهید امیر سعیدزاده، معروف به سعید سردشتی نوشته شده درحالی که بسیار ساده به نظر می‌آید، پیچیده است و در کمال درونگرایی، فاکتورهای رفتاری شخصیت‌های برونگرا را دارد. این شخصیت ویژگی‌های زیادی داشت که بازی کردن آن با وجود سختی‌ها جذاب بود.

وقتی ما شما را در این سریال می‌بینیم نخستین مسأله‌ای که نگاه ما را جلب می‌کند، بیان و لحن آرام و عمیق است. در واقع سوران فردی درونگراست که در اوج آرامش نگاه عمیقی دارد. آیا این موضوع نتیجه مطالعات شخصی‌تان از زندگی‌نامه سعید سردشتی است یا این‌که نتیجه صحبت با تیم کارگردانی و نویسنده است؟ درباره این موضوع توضیح دهید که خودتان چه ارزیابی‌ای نسبت به این مسأله دارید؟

در زمان پیش‌تولید و بعد از خواندن فیلمنامه مسائلی با شخصیت سوران داشتم که با سروش محمدزاده مطرح کردم. در چند جلسه که مواقعی هم با حضور عباس ریاحی، نویسنده کار برگزار می‌شد، ما به صورت ویژه درباره این کاراکتر و درک ابعاد مختلف شخصیتی و رفتاری‌اش حرف زدیم. جلسات به‌خوبی پیش می‌رفت و من همزمان در تمرین‌ها و تحقیقات شخصی‌ام سعی می‌کردم اول شخصیت نوشته شده در فیلمنامه را بشناسم و بعد از آن به مقایسه نقاط مشترک با خود شخصیت سعید سردشتی برسم. همه این مواردی که عرض کردم به شخصیت سوران شکل داد و من به گونه‌ای که مخاطب می‌بیند، بازی کردم.

اگر بخواهیم این شخصیت را تقسیم‌بندی کنیم باید بگوییم که دو بخش پررنگ دارد. اول این‌که در کنار روحیه مبارزه‌طلبی، وقتی مقابل همسرش قرار می‌گیرد و با او هم صحبت می‌شود، عاشق است و بیننده متوجه نگاه پر از احساس او به همسرش می‌شود. این تضاد در صحنه‌ها تا چه میزان شما را با چالش همراه می‌کرد؟

روحیه مبارزه‌طلبی این کاراکتر از همان عشق به خانواده و فراهم کردن امنیت آنها نشأت می‌گیرد. من این دو فاکتور شخصیتی سوران را جدا از هم ندیدم اما زیر بنای این کاراکتر و کلمه تعیین‌کننده وجودش، عشق است. در واقع شکل بیرونی عشقی که در درونش وجود دارد، هر بار و با توجه به موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کند اما علت همه واکنش‌هایش، عاشق بودنش است. در حقیقت فرقی نمی‌کند سوژه خانواده، همسر یا وطن باشد و تفاوتی ندارد که چقدر نگهداری آن عشق سخت باشد. سوران درباره اعتقاداتش، سازش‌ناپذیرست، این کاراکتر در بسیاری از موارد کمال‌گراست و با کوتاه آمدن میانه‌ای ندارد.

شخصیت سوران در سریال، یا شخصیت نفوذی فیلم ضد یا کاراکتر پریشان و باهوش فیلم لباس شخصی همه پیچیده بودند و برای مخاطب از ابتدا ابعاد مختلف آن مشخص نبود. در حقیقت ابهام در شخصیت‌ها وجود دارد. علاقه خود شما ایفای چنین نقش‌هایی است یا دلیل دیگری دارد؟

ابهام یا رازآلود بودن شخصیت، ملاک گزینش نقش‌هایم نیست، بلکه نقشی که درست نوشته شده و قصه آن شنیدنی باشد، برای من جذاب است. همچنین معتقدم نقش‌هایی که خوب نوشته می‌شوند، به خودی خود، قابل حدس نیستند. من به‌شخصه دوست دارم نقش‌هایم روی نوشته و کاغذ یعنی در همان نگارش هم با هم متفاوت باشند اما ژانر یا مدیوم خاصی مدنظرم نیست و برایم تفاوتی ندارد ژانر فیلمم کمدی باشد یا درام، اکشن، تاریخی، فانتزی، تخیلی، جنایی و... هر ژانری برایم جذاب و دوست‌داشتنی است به شرطی که فیلمنامه پخته و قوی داشته باشد.

سعی کردم اول با خواندن فیلمنامه و بعد تحقیق درباره خود سعید سردشتی و خانواده‌اش، تا جایی که می‌توانم به شخصیت واقعی ایشان نزدیک شوم

توجه به این‌که مدت زمان کوتاهی از زمان شهادت شهید سردشتی می‌گذرد، ایفای چنین نقشی سختی‌های زیادی برای شما داشت، چون افرادی از نزدیک با شهید آشنا بودند و از خصوصیات رفتاری و شخصی او اطلاع داشتند.

بنابراین ایفای چنین نقشی مثل حرکت کردن روی لبه پرتگاه بود. خودتان نگران این موضوع نبودید؟

درباره این موضوع نگرانی زیادی نداشتم. عباس ریاحی به‌عنوان نویسنده سریال قبل از من این حساسیت‌ها را به خرج داده و شخصیت سوران را با وفاداری به شخصیت واقعی سعید سردشتی نوشته بود. من هم سعی کردم اول با خواندن فیلمنامه و بعد تحقیق درباره خود سعید سردشتی و خانواده‌اش، تا جایی که می‌توانم به شخصیت واقعی ایشان نزدیک شوم.

یکی از بخش‌های سخت کار شما لهجه کردی بود. با توجه به این‌که شما هم اصالتا کرد نیستید اما در این سریال می‌بینیم که دیالوگ‌های‌تان را با آوای کردی بیان می‌کنید. درباره این موضوع توضیح بدهید که چقدر تمرین کردید و برای‌تان سخت نبود با لهجه‌ای که آشنایی ندارید، صحبت کنید؟

بله کار سختی بود. من و باقی بازیگرانی که با لهجه و زبان کردی آشنایی نداشتیم، دو ماه قبل از شروع فیلمبرداری و در زمان پیش‌تولید، تقریبا هر روز با مشاور لهجه، احمد جعفری تمرین می‌کردیم. کار ما از جایی سخت‌تر می‌شد، در کنار تمرین‌های شخصی که برای رسیدن به نقش‌های‌مان انجام می‌دادیم، مجبور بودیم روزی چند ساعت هم در تمرین لهجه کُردی حاضر شویم. بعد از کلید خوردن پروژه و در تمام طول شش ماه فیلمبرداری، مشاور لهجه کنار بازیگران بود و دیالوگ‌های ما را در تمام سکانس‌ها چک می‌کرد.

برخی از بازیگران اطلاعات‌شان را به فیلمنامه محدود و کمتر درباره نقش خود مطالعه شخصی می‌کنند. از آنجایی که شما در تئاتر سبقه دارید و معمولا هنرمندان این حوزه بسیار در کار سختگیر هستند، چقدر مطالعه از قبل داشتید و چه مواردی پیشنهاد دادید که به شخصیت سوران اضافه شود یا کدام یک از ویژگی‌های سوران را در کار پُررنگ کردید؟

به تحقیق و تمرین زیاد اعتقاد دارم و گاهی حتی ممکن است زیاده‌روی کنم. من با قبول یک نقش، باید به شخصیتم نزدیک شوم و در این راه، کارهایی را که لازم بدانم، انجام می‌دهم. ناگفته نماند که نقش‌های متفاوت، روش‌های رسیدن به آنها را هم متفاوت می‌کند.

شهید امیر سعیدزاده به‌دنبال آرمان‌هایش در زندگی بود و همیشه می‌خواست کاری را که از دستش برمی‌آید، برای مردم انجام دهد و شما هم سعی کردید این شخصیت را همان‌طور که بوده است، ایفا کنید؛ ضمن این‌که ما می‌بینیم به‌گونه‌ای این نقش را بازی می‌کنید که برای مردم قابل باور و لمس باشد (به قول معروف از رفتارهای اغراق‌آمیز در بازی‌تان استفاده نکردید تا شخصیت شهید سردشتی همانی باشد که هست). برای‌تان سخت نبود این موارد را اجرایی می‌کردید که به قهرمان بودن سعید سردشتی لطمه نزنید و هم این‌که اگزجره نشود؟

برای رسیدن به یک شخصیت، ممکن است از روش‌ها و تکنیک‌های خاصی استفاده کنم اما بعد از رسیدن به آن نقش یعنی در زمان اجرا، از هیچ تکنیکی استفاده نمی‌کنم و فقط سعی می‌کنم به یافته‌هایم، وفادار باشم. در این روش من چیزی را کنترل نمی‌کنم که به‌عنوان مثال در صحنه‌ای باید داد بزنم یا خشمم را در خود بریزم. من از قبل طراحی‌هایی دارم اما آنچه تعیین‌کننده اصلی نوع بازی من است، اتفاقی است که در لحظه در حال وقوع است و همچنین شناختم از شخصیت.

در تئاتر اقتباس از آثار بزرگ بسیار رایج است؛ در حالی‌که در تلویزیون و سینمای ایران کمتر آثار اقتباسی می‌توان پیدا کرد. سوران

گزارش تصویری

خلق قاب‌های ماندگار

ازجمله کارهایی که سریال «سوران» در قامت یک سریال موفق توانست انجام دهد، خلق قاب‌های ماندگار بود؛ قاب‌هایی که هرکدام روایتی از نقش‌آفرینی‌های مردم کرد در دوران بعد از انقلاب بود. تصاویر سریال سوران و نمایش آن در قاب تلویزیون توانست مردم را در این حوزه آگاه کند که بسیاری از کردهای انقلابی برای ماندگاری این انقلاب تلاش کردند و شکنجه شدند.

سریال سوران این قاب‌های ماندگار از یک دوره انقلاب را به‌خوبی خلق کرد و به‌تصویر کشید.

کیوآرکد را اسکن کنید

یادنامه

علاقه زنده‌یاد محمودی به شهدا

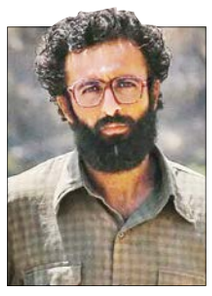

زنده‌یاد حسام محمودی یکی از بازیگران «سوران» است که نقش مردی به نام رستگار را در این سریال ایفا کرد که از قسمت چهارم وارد داستان شد. محمودی پیش از این در سریال «نوار زرد» هم با سروش محمدزاده همکاری داشت. او در یکی از مصاحبه‌هایش پیش از فوت درباره علاقه به زندگی شهدا در آثار نمایشی بیان کرده بود: من در محله‌ای مذهبی به نام خیابان ایران بزرگ شده‌ام؛ برای همین از کودکی با چنین فضایی (انقلابی) آشنا بوده و از همان زمان به شهدا دلبسته شدم؛ در ضمن بازی در حوزه شهدا را ادای دین می‌دانم، چون معتقدم کمترین کاری است که می‌توانم انجام دهم. در میان شهدا بسیار علاقه‌مند به شهید ابراهیم هادی هستم و دوست دارم بتوانم در فیلمی که درباره اوست، حضور داشته باشم. فیلم «غریب» نیز درباره یکی از شهدای بزرگ است. برای همین همیشه در چنین کارهایی با علاقه حضور خواهم یافت.

این بازیگر جوان در دوران زندگی کاری‌اش در آثار بسیاری حضور داشت و به‌دلیل علاقه‌اش، نقش شهدا را هم ایفا کرده بود؛ ازجمله در سریال «شکوه یک زندگی» که سال ۱۳۹۶ ساخته شد.

رخ

حضور چهره‌های جدید در «سوران»

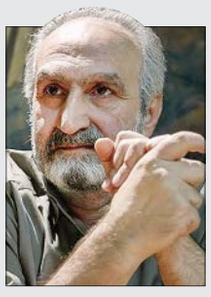

یکی از ارکان اصلی ساخت یک مجموعه تلویزیونی، حضور تهیه‌کننده توانمند است که با چیدن عوامل حرفه‌ای، یک اثر استاندارد و قابل قبول را به مخاطبانش ارائه می‌کند. مجتبی فرآورده، تهیه‌کننده سریال «سوران» که این شب‌ها روی آنتن است، از روند نگارش و تولید سریال گفت: ما از اواخر سال ۱۴۰۰ نگارش فیلمنامه را آغاز کردیم در خرداد و تیر ۱۴۰۱ فیلمنامه به پایان رسید و از تیرماه پیش‌تولید و از ۲۰ شهریور هم فیلمبرداری سریال آغاز شد. در مناطق مختلفی از جمله یاسوج، تهران و قزوین فیلمبرداری انجام شد و ۲۰ اسفند به پایان رسید. وی درباره ریسک انتخاب چهره‌های جدید و کمتر دیده شده در این سریال توضیح داد: در برخی کارها قطعا باید سراغ چهره جدیدی رفت و نه بازیگری که مخاطب از او شناخت یا پیش‌زمینه دارد. در سینما و سریال‌سازی دنیا هم نگاه کنید، خیلی این اتفاق می‌افتد. شما سریال «گیم آو ترونز» را هم که نگاه کنید، می‌بینید هیچ‌کدام را نمی‌شناسید. خیلی از سریال‌هایی که (در جهان) هنرمندان‌شان را نمی‌شناسید و افراد معروفی در آنها نیستند.